

## The comparison of marital satisfaction and moral intelligence and its relationship with immoral commitment in men

Maryam Ghazvini<sup>1</sup>, Anahita khodabakhshi koolae<sup>2\*</sup>, Ladan Mansoor<sup>1</sup>, Abolghasem Khosh konesh<sup>1</sup>

1- Department of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2- Department of Counseling, institute of higher education Khatam, Tehran, Iran.

### Abstract

**Background and Objectives:** Previous study indicated infidelity has a pernicious influence on diverse aspects of health's marital relationship including intimacy, and confident couple. Therefore, it is critical to investigate the related factors may be engender it. It seems that the interpersonal and personal defects in some factors such as, marital satisfaction and moral intelligence stimulate the couple to commence new relationship. The aim of the current study is to compare the marital satisfaction and moral intelligence among infidelity and non-infidelity men.

**Materials and Methods:** This research is a descriptive -comparative research. The samples of current research include 100 infidelity men and 100 men non-infidelity that were selected through purposive sampling in Tehran city. They respond to three research instruments such as; Marital Satisfaction Inventory(MSI), Moral Intelligence Index(MI), and Infidelity Questionnaire. Statistical analysis was conducted by using the independent t-test and spss18.

**Results:** The findings revealed that there is a significant difference between marital satisfaction in infidelity(14.53±10.25) and non-infidelity(15.56±11.72) men( $p < 0.001$ ,  $t = 7.73$ ). Also, moral intelligence of infidelity (13.72±13.15) men is significantly lower than moral intelligence's fidelity men (14.28±11.80) ( $p < 0.001$ ,  $t = 5.04$ ).

**Conclusion:** According to results of the present study, the marital satisfaction and moral intelligence play an important role in infidelity among men. Therefore, these variables should be considered as effective factors in the prevention and reconstruction relationship of the therapeutic process by family and couple therapists.

**Keywords:** marital satisfaction, moral intelligence, infidelity, men

## مقایسه‌ی رضایت زناشویی و هوش اخلاقی و رابطه‌ی آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان

مریم قزوینی<sup>۱</sup>، دکتر آناهیتا خدابخشی کولایی<sup>۲\*</sup>، لادن منصور<sup>۱</sup>، ابوالقاسم خوش کنش<sup>۱</sup>

۱- گروه مشاوره، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی خاتم، تهران، ایران.

### چکیده

**سابقه و اهداف:** مطالعه‌های پیشین نشان داد، عدم تعهد اخلاقی تأثیرهای مخربی بر بُعدهای مختلف سلامت رابطه‌ی زناشویی، چون صمیمیت و اعتماد بین زوجین، دارد. بنابراین، ضروری است تا عامل‌های مؤثر در ایجاد عدم تعهد اخلاقی بررسی شود. به نظر می‌رسد کمبودهای فردی و بین فردی در عامل‌هایی چون عدم رضایت زناشویی و هوش اخلاقی، زوجها را در شروع رابطه‌ی جدید ترغیب می‌کند. هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی رضایت زناشویی و هوش اخلاقی در مردان پایبند به تعهد اخلاقی و ناپایبند به تعهد اخلاقی است.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-مقایسه‌ی است. نمونه‌ی پژوهش حاضر، شامل ۱۰۰ مرد پیمان‌شکن و ۱۰۰ مرد غیر پیمان‌شکن است که از طریق نمونه‌گیری هدفمند در شهر تهران انتخاب شدند. آن‌ها به سئوال‌های سه ابزار پژوهشی پرسش‌نامه‌ی رضایت زناشویی، شاخص هوش اخلاقی و پرسش‌نامه‌ی پیمان‌شکنی پاسخ دادند. تحلیل آماری با استفاده از آزمون تی مستقل و نرم‌افزار Spss نسخه‌ی ۱۸ انجام شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که تفاوت معناداری بین رضایت زناشویی در مردان ناپایبند به تعهد اخلاقی ( $1.01/2.5 \pm 1.4/5.3$ ) و پایبند به تعهد اخلاقی ( $1.17/7.2 \pm 1.5/5.6$ ) وجود دارد ( $t=7.73, p<0.001$ ). همچنین، هوش اخلاقی به‌طور معناداری در مردان ناپایبند به تعهد اخلاقی ( $1.38/1.5 \pm 1.3/7.2$ ) کم‌تر از گروه مردان پایبند به تعهد اخلاقی ( $1.11/8.0 \pm 1.47/2.8$ ) است ( $t=5.04, p<0.001$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر طبق نتیجه‌ی پژوهش حاضر، رضایت زناشویی و هوش اخلاقی، نقش مهمی در عدم پایبندی به تعهد اخلاقی مردان دارد. از این‌رو، این متغیرها را باید فاکتورهایی مؤثر در فرایند درمانی پیشگیرانه در نظر گرفت و در بازسازی رابطه‌ی درمانگران خانواده و زوج مورد توجه قرار داد.

**واژگان کلیدی:** رضایت زناشویی، هوش اخلاقی، عدم تعهد اخلاقی، مرد

### مقدمه

درمانگرها، در حدود ۵۰ درصد مردان، زنان خود را فریب می‌دهند؛ این، در حالی است که طبق گزارش، جمعیت عادی تعهد اخلاقی افراد، کم‌تر از ۱۵ درصد در زنان؛ و ۲۲ درصد در مردان است (۳). عدم تعهد اخلاقی نقش مهمی در ایجاد استرس زناشویی دارد و موجب مشکل‌های روانی و اجتماعی عدیده‌ی می‌شود (۴)؛ به عبارتی، ضربه‌ی پیمان‌شکنی آن-چنان برای بسیاری از همسران شوک‌آور است که می‌تواند منجر به اختلال‌های پس از ضربه در آنان شود و یا علائم

در جامعه‌های امروزی، عدم تعهد اخلاقی و بی‌وفایی، امری متداول و رایج است (۱). خیانت زناشویی، مسئله‌ی تکان‌دهنده برای زوجها و خانواده‌ها؛ و پدیده‌ی رایج برای درمانگران زوج و خانواده است. داشتن رابطه‌های خارج از حیطه‌ی زناشویی، شیوعی قابل توجه در محیط‌های بالینی و عادی پیدا کرده است (۲). بر اساس گزارش‌های درمانگران خانواده و «زوج

\* نویسنده‌ی مسئول مکاتبات: آناهیتا خدابخشی کولایی؛ پست الکترونیک: anna\_khodabakhshi@yahoo.com

کاهش سرمایه‌گذاری و تعهد زوجها نسبت به یکدیگر، بیش از سایر عامل‌ها، امکان عهدشکنی در رابطه‌های زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (۱۶). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد رضایت زناشویی با پدیده‌ی دیگری به نام سازگاری، که سازه‌ی تعریف‌شده در هوش است، ارتباط دارد. امروزه، اخلاق از عامل‌های اصلی عملکرد محیط خانواده است. بی‌توجهی به اخلاق در خانواده، می‌تواند معضل‌های بزرگی به بار آورد. در این میان، قضاوت افراد درباره‌ی اخلاقی بودن کارها، بر کیفیت کار آنان و در نتیجه، موفقیت رابطه‌های زناشویی تأثیر قابل توجهی دارد (۱۷).

هوش اخلاقی<sup>۲</sup>، به معنی ظرفیت و توانایی درک درست از اخلاق، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و نیز رفتار در جهت درست است (۱۸). هوش یعنی اینکه بتوان هر لحظه در برابر هر محرکی واکنش صحیح نشان داد. به باور لینک و کیل<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، چهار اصل از هوش اخلاقی، یعنی درستکاری<sup>۴</sup>، مسئولیت‌پذیری<sup>۵</sup>، دلسوزی<sup>۶</sup> و بخشش<sup>۷</sup>، برای موفقیت لازم است. این هوش نشان دهنده‌ی ظرفیت ذهنی انسان است برای تعیین اینکه چگونه اصول جهان شمول انسانی را به ارزش‌ها، هدف‌ها و اقدام‌های خود مرتبط نماید (۱۹). همچنین هوش اخلاقی نشان‌دهنده‌ی اشتیاق و توانایی فرد برای قرار دادن معیارهایی برتر و فراتر از منافع خود و حتی موضوع‌هایی مانند اثربخشی در کانون واکنش‌های فردی است (۲۰). در پژوهشی آنتوناچیو و تایتل<sup>۸</sup> (۲۰۰۸) درباره‌ی بررسی نقش میانجی هوش اخلاقی بر کجروی، دریافتند رابطه‌ی منفی بین کجروی و جنایت، با اخلاق وجود دارد (۲۱). هوش اخلاقی، ویژگی‌های اساسی یاری‌دهنده در تبدیل شدن انسان به انسانی خوب و شایسته است. جانسون<sup>۹</sup> و همکاران (۱۹۹۹)، در نتیجه‌ی یافته‌های خود بیان نمودند که تعهد اخلاقی موجب پایداری و ثبات رابطه‌های زناشویی زوجها می‌شود. خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹) نشان دادند نگرش اخلاقی در روند زندگی، موجب تسهیل و بهبود رابطه‌ها می‌شود و هوش اخلاقی به بهبود رابطه‌ها، ابراز خشم مناسب و التیام زخم‌های عاطفی زوجها کمک می‌کند (۲۳). تحقیق‌های اندکی در ایران، به بررسی متغیرهای مؤثر در زمینه‌ی رابطه‌ی زناشویی، از جمله هوش اخلاقی پرداخته است. هرچند که در

اختلال پس از ضربه را در آن‌ها ایجاد کند (۵). همچنین، عدم تعهد اخلاقی زناشویی، می‌تواند پیامدهای فاجعه‌باری برای فرد پیمان‌شکن، همسرش و خانواده‌ی اصلی فرد داشته باشد (۶)؛ به این معنا که، پیمان‌شکنی، اعتماد موجود در رابطه و سطح صمیمیت زوجها را کاهش می‌دهد و در نتیجه، تأثیرهای منفی و مخربی بر روی ازدواج می‌گذارد (۷). از جمله‌ی این تأثیرهای منفی، می‌توان به بروز دامنه‌ی وسیعی از واکنش‌های منفی عاطفی، شناختی و رفتاری، مانند احساس خشم، کینه، نفرت، گناه، بی‌اعتمادی، از دست دادن احترام به خود و از بین رفتن رابطه‌های محبت‌آمیز زناشویی اشاره کرد (۸). به نظر می‌رسد، مهم‌ترین عامل در کاهش تأثیرهای منفی فردی و بین فردی عدم تعهد اخلاقی، پیشگیری است. این، در حالی است که تحقیقات نشان می‌دهد آنچه در خانواده و یگانگی زن و مرد نقشی بیش‌تر برعهده دارد، رضایت زناشویی است؛ به عبارتی دیگر، سازگاری و رضایتمندی زناشویی، موجب ضمان ازدواج موفق خواهد بود (۹)، به نحوی که این سازگاری می‌تواند به‌طور کامل بر کیفیت زندگی تأثیر بگذارد. در دهه‌ی اخیر، رضایتمندی و سازگاری زناشویی و رابطه‌ی آن با جنبه‌های مختلف زندگی بشر، مورد مطالعه‌ی گسترده‌ی روان‌شناسان قرار گرفته است (۱۰). رضایت زناشویی، به وضعیتی گفته می‌شود که در آن، زوجها در بیش‌تر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. محققان معتقدند که رضایت زناشویی، انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. طبق این تعریف، رضایت زناشویی زمانی محقق می‌گردد که وضعیت موجود در رابطه‌های زناشویی، با وضعیت مورد انتظار فرد، منطبق باشد (۱۱).

سازگاری در ازدواج، از طریق درک مشترک از مباحث، تشریک مساعی، تداوم رفاقت و برآوردن انتظارات جامع از زندگی مشترک، مشخص می‌شود (۱۲). ناسازگاری زناشویی، به‌طور ویژه‌ی با افزایش خطر ابتلا به افسردگی و سایر اختلال‌های روان‌پزشکی کاهش سلامتی (۱۳) و افزایش طلاق، رابطه دارد. تحقیقات نشان می‌دهد مردان در مقایسه با زنان، بیش‌تر مرتکب پیمان‌شکنی می‌شوند و زنان پس از پیمان‌شکنی، بیش از مردان، برای ایجاد رابطه‌ی جدید، به زندگی زناشویی قبلی خود خاتمه دادند. این، در حالی است که علت پایبند نبودن آنان، احساس ناخشنودی و نارضایتی از رابطه‌های زناشویی است (۱۴ و ۱۵). لواندسکی و آکرمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند، عامل‌هایی مانند نارضایتمندی زناشویی، رابطه‌ی گرم و صمیمی با نفر دیگر،

<sup>2</sup> Moral Intelligence

<sup>3</sup> Lennick & Kiel

<sup>4</sup> integrity

<sup>5</sup> responsibility

<sup>6</sup> compassion

<sup>7</sup> forgiveness

<sup>8</sup> Antonaccio & Tittle

<sup>9</sup> Johnson

<sup>1</sup> Lewandowski & Ackerman

در مقیاس هفت نمره‌ی لیکرت (هیچ‌گاه = ۱ تا همیشه = ۷) ارزیابی می‌شوند. ضریب آلفای کرونباخ این سیاهه، ۰/۹۶ است که نشان‌دهنده‌ی همسانی درونی است (۰/۲۴). پایایی پرسش‌نامه در پژوهش حسینی (۱۳۸۹)، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ به دست آمده است (۰/۲۵). در این پژوهش، برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه‌ی هوش اخلاقی<sup>۳</sup>: متغیر هوش اخلاقی در این پژوهش، از طریق آزمون ۴۰ سئوالی مورد ارزیابی قرار گرفت که آن را لنیک کیل در سال ۲۰۰۵ تدوین کرده است (۰/۲۶). پرسش‌نامه‌ی هوش اخلاقی، توانایی کاربرد اصول اخلاقی جهانی در اخلاقیات، اهداف و مراوده‌های یک فرد را، از طریق چهار خرده‌مقیاس درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش بررسی می‌کند. طیف نمره‌گذاری آن، طیف لیکرت پنج درجه‌ی است: هرگز (۱)، به ندرت نمره (۲)، بعضی اوقات نمره (۳)، در بیشتر موارد نمره (۴) و در همه‌ی مواقع نمره (۵). پاسخ‌دهندگان در مجموع، امتیازی بین ۴۰ تا ۲۰۰ کسب می‌کنند که با تقسیم بر ۲، امتیاز نهایی هوش اخلاقی، امتیازی بین ۲۰ تا ۱۰۰ خواهد بود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ آن، ۰/۸۰ گزارش شد (۰/۲۶). این پرسش‌نامه را در ایران آراسته و همکاران (۱۳۹۰) هنجاریابی کردند (۰/۲۷). در این پژوهش، پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه‌ی پیمان‌شکنی: برای ارزیابی عدم تعهد اخلاقی، از پرسش‌نامه‌ی پیمان‌شکنی که بساطی مطلق (۱۳۹۲) تدوین و هنجاریابی کرده است، استفاده شد. این پرسش‌نامه، ابزاری ۱۳ سئوالی است. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت انجام شده است؛ از ۱ برای مخالفم، ۴ (کاملاً موافقم). حداقل نمره، ۱۳؛ و حداکثر آن، ۵۲ است. پایایی این پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ گزارش شده است (۰/۲۸). همچنین در این پژوهش، پایایی این پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ به دست آمد.

در نهایت، داده‌ها با استفاده از تی مستقل و به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۸، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها

براساس داده‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و همسران آن‌ها در جدول ۱، بیش‌ترین فراوانی در سن و مدت ازدواج مردان پیمان‌شکن، به ترتیب در رده‌ی ۳۱-۳۵ و کم‌تر از ۳ سال

یک بررسی، به رابطه‌ی بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق پرداخته شد (۳۱)، اما به‌طور ویژه، در این گروه، یعنی مردان پیمان‌شکن، بررسی صورت نگرفته است. از سویی دیگر، شناسایی این عامل‌ها، یکی از مهم‌ترین قدم‌ها برای شناسایی و پیشگیری تعهد اخلاقی در زوجها است؛ از این‌رو در پژوهش حاضر، به مقایسه‌ی عامل‌هایی چون رضایت زناشویی و هوش اخلاقی در مردان پیمان‌شکن و غیر پیمان‌شکن پرداخته شده است.

## مواد و روش‌ها

جامعه‌ی آماری، نمونه، روش پژوهش و اجرا:

پژوهش حاضر از نوع مطالعه‌های توصیفی-مقایسه‌ی است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، شامل تمام مردان متأهل است که به علت عدم پایبندی به تعهد اخلاقی (جنسی یا عاطفی) نسبت به همسرانشان؛ و همچنین مردانی که به سبب مشکل‌های غیر از پیمان‌شکنی، از جمله اختلاف بر سر حوزه‌ی اقتصادی خانواده، فرزندپروری و مشکل با خانواده‌های پدری، به مرکزهای مشاوره‌ی سازمان بهزیستی و دادگاه‌های خانواده‌ی شهر تهران، در سال ۱۳۹۳، مراجعه کرده‌اند. از میان آن‌ها، دو گروه مردان پایبند به تعهد اخلاقی (۱۰۰ نفر) و گروه مردان متأهل ناپایبند به تعهد اخلاقی (۱۰۰ نفر)، که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، به روش نمونه‌گیری در دسترس هدف‌دار، انتخاب شدند. پس از کسب رضایت از مراجعان و اطمینان خاطر ایشان از رعایت اصل رازداری، پرسش‌نامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار داده شد. در نهایت، هر دو گروه از نظر سن، میزان تحصیلات و شرایط اقتصادی-اجتماعی، هم‌تاسازی گروهی شدند. ابزار سنجش سیاهه‌ی رضایت زناشویی<sup>۱</sup> (MSI): برای اندازه‌گیری رضایت زناشویی، از سیاهه‌ی ۲۵ پرسشی رضایت زناشویی استفاده شد که توسط هودسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) برای اندازه‌گیری میزان شدت یا دامنه‌ی مشکل‌های زن یا شوهر در رابطه‌ی زناشویی تدوین کرده است (۰/۲۴). این سیاهه، ویژگی رابطه را یک واحد کل تلقی نمی‌کند، بلکه دامنه‌ی مشکل‌های رابطه را از نظر زن یا مرد اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه، میزان سازگاری را نمی‌سنجد، زیرا ممکن است یک زن و مرد علی‌رغم اختلاف یا نارضایتی شدید، سازگاری خوبی داشته باشند. پاسخ‌دهندگان که برای ساختن این ابزار مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از: افراد متأهل، مراجعان مرکزهای مشاوره و روان‌درمانی دانشگاهی و غیردانشگاهی که

<sup>۱</sup> Marital Satisfaction Inventory

<sup>۲</sup> Hudson

<sup>۳</sup> Moral Intelligence Questionnaire

جدول ۲، تفاوت میانگین و انحراف معیار در گروه پیمان‌شکن در بُعد رضایت زناشویی ( $1.01/25 \pm 14/53$ ) و پایبند به تعهد اخلاقی ( $117/72 \pm 15/56$ )، نشان‌دهنده‌ی تفاوت معناداری در بُعد رضایت زناشویی ( $t=7.73, df=198, p<0.0001$ ) در دو گروه است. از سوی دیگر، در بُعد هوش اخلاقی، تفاوت میانگین و انحراف معیار در گروه پیمان‌شکن ( $138/15 \pm 13/72$ ) و گروه پایبند به تعهد اخلاقی ( $111/80 \pm 147/28$ )، حاکی از تفاوت معنادار ( $t=5.04, df=198, p<0.0001$ ) در بُعد هوش اخلاقی است.

است. این، در حالی است که بیش‌ترین فراوانی، در متغیر تحصیلات، شغل و نحوه‌ی ازدواج، به ترتیب دیپلم، شغل آزاد و نحوه‌ی ازدواج به صورت آشنایی در محل تحصیل گزارش شده است. همچنین، بیش‌ترین فراوانی در سن و تحصیلات همسران مردان پیمان‌شکن، به ترتیب ۳۱-۳۵ سال و تحصیلات دیپلم است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، از آزمون آماری کالموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتیجه‌ها نشان داد که نمره‌ی Z هوش اخلاقی و رضایت زناشویی، به ترتیب ۱/۴۱ و ۱/۲۱ است که حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرها در جامعه‌ی مورد نظر است. با توجه به داده‌های

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی در دو گروه مردان متعهد و غیرمتعهد و همسرانشان

متغیر	شاخص	مردان پیمان شکن (درصد)	مردان غیر پیمان شکن (درصد)
تحصیلات	کم‌تر از دیپلم	۲۹ (۲۹)	۲۳ (۲۳)
	دیپلم	۳۰ (۳۰)	۲۸ (۲۸)
	فوق دیپلم	۹ (۹)	۷ (۷)
	لیسانس	۲۴ (۲۴)	۳۰ (۳۰)
	فوق لیسانس و بیش‌تر	۸ (۸)	۱۲ (۱۲)
جمع		۱۰۰ (۱۰۰)	۱۰۰ (۱۰۰)
سن	کمتر از ۲۵ سال	۱۱	۱۲
	۲۶ تا ۳۰ سال	۲۷	۲۶
	۳۱ تا ۳۵ سال	۲۹	۲۷
	۳۶ تا ۴۰ سال	۲۳	۲۴
	۴۱ سال و بیش‌تر	۱۰	۱۱
مدت ازدواج	کم‌تر از ۳ سال	۳۵	۲۴
	۴ تا ۷ سال	۲۴	۲۶
	۸ تا ۱۱ سال	۳۳	۲۹
	۱۲ سال و بیش‌تر	۸	۲۱
شغل	آزاد	۵۸	۴۱
	کارمند	۳۲	۴۶
	بیکار	۷	۹
	بازنشسته	۳	۴
نحوه‌ی ازدواج	محل تحصیل	۳۳	۲۴
	محل کار	۱۸	۲۶
	رابطه‌ی دوستی	۳۲	۲۳
	پیشنهاد خانواده	۱۷	۲۲
	کم‌تر از ۲۵ سال	۱۷	۱۹
سن همسران	۲۶ تا ۳۰ سال	۲۴	۲۸
	۳۱ تا ۳۵ سال	۳۰	۲۷
	۳۶ تا ۴۰ سال	۲۵	۱۹
	۴۱ سال و بیش‌تر	۴	۷
	کم‌تر از دیپلم	۲۲	۲۵
تحصیلات همسران	دیپلم	۲۹	۲۳
	فوق دیپلم	۸	۱۰

۳۰	۲۷	لیسانس
۱۲	۱۴	فوق لیسانس و بیش تر

جدول ۲. مقایسه رضایت زناشویی و هوش اخلاقی در دو گروه مردان متعهد و غیرمتعهد

متغیر	گروه	میانگین $\pm$ انحراف معیار	T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
رضایت زناشویی	پیمان شکن	۱۰۱/۲۵ $\pm$ ۱۴/۵۳	۷/۷۳	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	غیر پیمان شکن	۱۱۷/۷۲ $\pm$ ۱۵/۵۶			
هوش اخلاقی	پیمان شکن	۱۳۸/۱۵ $\pm$ ۱۳/۷۲	۵/۰۴	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	غیر پیمان شکن	۱۴۷/۲۸ $\pm$ ۱۱/۸۰			

## بحث

کم از رابطه، ارضا نشدن نیازهای جنسی منجر به ناپایبندی به تعهد اخلاقی می‌شود (۳۱).

نتیجه‌ی حاصل از داده‌های این پژوهش نشان داد که بین هوش اخلاقی در مردان پیمان‌شکن و پایبند به تعهد اخلاقی، تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌ی کنونی با نتیجه‌ی پژوهش‌های پیشین همسو است. برای مثال، نتیجه‌ی پژوهش فارسی (۱۳۹۱) نشان داد که هوش اخلاقی مردان پیمان‌شکن و پایبند به تعهد اخلاقی تفاوت وجود دارد و همچنین هوش اخلاقی، می‌تواند خیانت را پیش‌بینی کند (۳۲). همچنین، نتیجه‌ی پژوهش گل محمدیان و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که هوش اخلاقی و سازگاری زناشویی و مؤلفه‌های آن (رضایتمندی، توافق، همبستگی و ابراز محبت دو نفره) در دو گروه آزمون و کنترل، متفاوت است و این مداخله بر افزایش سازگاری زناشویی مؤثر بوده است (۳۳). اصغری و قاسمی جوبنه (۱۳۹۲)، در نتیجه‌ی تحقیق خود نشان دادند بین هوش اخلاقی و رضایت زناشویی مردان پایبند به تعهد اخلاقی، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد (۳۴). همچنین پژوهش خانیکی و تبریزی (۱۳۸۹)، نشان داد نگرش اخلاقی در روند زندگی، موجب تسهیل و بهبود رابطه‌ها و افزایش سازگاری زناشویی می‌شود (۳۵). در تبیین یافته‌های به دست آمده، می‌توان این‌گونه بیان کرد که مردانی که در تعامل‌های زوجی خود مفاهیم و اصول اخلاقی را مبنای رفتارهای خود قرار می‌دهند، بر پایه‌ی همین مفاهیم، خواهان ایجاد رضایت زناشویی بیش‌تر در رابطه‌های زوجی هستند. به بیانی دیگر، آشکار است که پیروی از اصول اخلاقی چون، هم‌دردی، هوشیاری، خودکنترلی، توجه و احترام، مهربانی، انصاف و صبر (که طبق دیدگاه بوربا، مؤلفه‌های هوش اخلاقی است)، اثرهای قابل توجهی بر رابطه‌های بین فردی به ویژه رابطه‌های زوجی دارد. از سوی دیگر، از آنجا که رشد و تحول اخلاقی از بروز بسیاری از نابه‌هنجاری‌های فردی و اجتماعی جلوگیری می‌کنند، وجود اصول اخلاقی که افراد را در چارچوب قوانین زوجی متعهد کند، در کنار متغیر رضایت زناشویی، رابطه‌ی

پژوهش حاضر برای بررسی مقایسه‌ی رضایت زناشویی و هوش اخلاقی در مردان متأهل پیمان‌شکن و پایبند به تعهد اخلاقی انجام شد. نتیجه‌های حاصل از این پژوهش، نشان داد بین رضایت زناشویی در مردان پیمان‌شکن و پایبند به تعهد اخلاقی، تفاوت معناداری وجود دارد. این داده‌ها با نتیجه‌های به دست آمده‌ی پژوهش (۱۵، ۱۴، ۱۶، ۲۹ و ۳۰) همخوانی دارد. فونگ و نگ و تام (۲۰۰۹) در نتیجه‌های پژوهش به این نتیجه رسیدند که بین ناپایبندی به تعهد اخلاقی و تعارض‌های زناشویی، رابطه‌ی معناداری مشاهده شده؛ به عبارتی، احتمال پیمان‌شکنی در مردانی که از رابطه‌ی زناشویی خود ناراضی هستند، بیش‌تر است (۱۵). در همین جهت، برند و همکاران (۲۰۰۷) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که علت پایبندی نبودن مردان پیمان‌شکن، احساس ناخشنودی و نارضایتی از رابطه‌ی زناشویی است (۱۴). همچنین، لواندسکی و آکرمن (۲۰۰۶) نیز نارضایتمندی زناشویی، رابطه‌ی گرم و صمیمی با نفر دیگر، کاهش سرمایه گذاری و تعهد زوجین نسبت به یکدیگر، بیش از سایر عامل‌ها، امکان تعهد اخلاقی در رابطه‌های زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (۱۶). یافته‌های بن فیلد و مک کیپ (۲۰۰۱) نیز حاکی از آن بود که احتمال ناپایبندی به تعهد اخلاقی با احساس تعهد، همبستگی منفی و با حمایت اجتماعی و نارضایتی زناشویی، همبستگی مثبت داشت (۲۹). این، درحالی است که در پژوهشی دریافتند مردان پیمان شکن، احساس نیاز به صمیمیت بیش‌تری در رابطه‌ی زوجی خود دارند و چنانچه احساس به صمیمیت، در رابطه‌ی زوجی برآورده نشود، به احتمال بیش‌تری اقدام به رابطه‌ی خارج از ازدواج خواهند کرد (۳۰). بنابراین، به نظر می‌رسد افرادی که رضایتمندی کم‌تری دارند، احتمالاً بیش‌تر دچار پیمان‌شکنی می‌شوند (بن فیلد و مک کیپ، ۲۰۰۱). به عبارتی، زمانی که رابطه‌ی در برخی موارد با کمبود و نقصان مواجه باشد، مانند رضایتمندی

7. Jeanfreau M. A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity. Doctorat thesis, Kansas state University. 2009 .
8. Farahbakhsh K, Ghanbari HB. Effectiveness of Glosser couple therapy on decreasing stress and increasing of intimacy after trauma of perceived infidelity. *Studies in Education and Psychology of Mashhad University*. 2007; 7(2): 173-190. (Text in Persian)
9. Aliakbari Dehkordi M. Relationship between women sexual function and marital adjustment. *Journal of Behavioral Sciences*. 2010; 4 (3):11-12. (Text in Persian)
10. Rasouli R, Soltani G. The comparison and relationship between religious orientation and practical commitment to religious beliefs with marital adjustment in seminary scholars and university students. *Journal of Family Research*. 2013; 8 (32): 427-439. (Text in Persian)
11. Babai M. The relationship between personality characteristics and components of love among married women referred house health center. Master, Arak; Islamic Azad University: 2013. (Text in Persian)
12. Choadhari NP, Patel HJ. A study about marital adjustment among female of urban & rural mehsana (Gujarat), *Journal of personality & clinical studies*. 2009; 1(2): 70-75.
13. Dorveize Z, Kahki F. Relationship between marital adjustment and well-being. *Journal of women studies*. 2008; 6(1): 8-10. (Text in Persian)
14. Brand RJ, Markey CM, Mills A, Hodges SD. Sex differences in self-reported infidelity and its correlates, *Sex Roles*. 2007; 57(1-2): 101-109.
15. Fung SC, Wong CW, Tam SM. Familial, and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong –China Border. 2009; 35(3), 239-244.
16. Lewandowski GW, Ackerman RA. Something missing: need fulfillment and self-expansion as predictors of susceptibility to infidelity. *The Journal of social psychology*. 2006; 164(4): 389-403.
17. siadat S, kazemi I, Mokhtaripour M. Relationship between Moral Intelligence and the Team Leadership in Administrators from Faculty Members` Point of View at the Medical Sciences University of Isfahan 2008-2009 . *Journal of Health Administration*. 2009; 12 (36):61-69. (Text in Persian)
18. Esmaili Tarzi Z, Beheshtifar M, Esmaeli Tarz H. Relationship between managers, moral intelligence, and their building trust in the executive organizations of Kerman city. 2012; 8(1): 70-84. (Text in Persian)
19. Lennick D, Kiel F. Moral intelligence: The key to enhancing business performance and leadership success, Wharton School Polishing, An imprint of Pearson Education. 2005.

مستحکم ایجاد می‌کند. به معنای دیگر، افرادی که دارای هوش اخلاقی بالایی هستند، می‌توانند در مواجهه با رویدادها و مسئله‌های زناشویی، با استفاده از راهبردهای مناسب، برای مقابله با مشکل‌ها به افزایش سازگاری زناشویی خود و زوجه‌ی خود کمک شایانی کنند. از این‌رو، به نظر می‌رسد که می‌توان با درک درست از وضعیت رضایت زوج‌ها از یکدیگر و میزان هوش اخلاقی آن‌ها و تأثیر آن بر رابطه‌های زوج‌ها، پدیده‌ی ناپایبندی به تعهد اخلاقی در زناشویی را به حداقل رساند (۳۵). بنابراین نتیجه‌ها بر این امر تأکید دارند که روان‌شناسان و مشاوران می‌توانند با توجه به ظرفیت موجود (محیط معنوی و اخلاقی حاکم بر جامعه)، برای افزایش تقویت هوش معنوی و اخلاقی در بخش پیشگیری و درمان، بهره‌ی بیش‌تری ببرند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای مردان، دوره‌های آموزشی برای بهبود رضایت زناشویی و هوش اخلاقی، در فرایند پیشگیری و زوج درمانی پیمان‌شکنی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، با توجه به اثرهای گسترده‌ی تعهد اخلاقی در رابطه‌های فردی و بین‌فردی، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر نقش وضعیت اجتماعی و فرهنگی نیز در نظر گرفته شود. لازم به ذکر است که نبود دسترسی به جامعه‌ی آماری مردان متأهل و تمرکز پژوهش تنها بر مردان متأهل، از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. از این‌رو، تعمیم نتیجه‌ها باید با احتیاط صورت گیرد.

## References

1. Treas J, Giesen D. Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*. 2000; 62 (1):48-60.
2. Soudani M, Karimi J, Mehrabizadeh M, Neisi A. Effectiveness of emotion oriented couple therapy on reducing the damaged caused by marital infidelity. *Journal of research in behavioral science*. 2012; 4(25): 258-268. (Text in Persian)
3. Howe A. Enduring fictions of possession sexual infidelity and homicidal rage in late modernity, *Griffith Law Review*. 2012; 21(3): 772-796.
4. Snyder DK, Doss BD. Treating infidelity: Clinical and ethical directions. *Journal of clinical psychology*. 2005; 61(11) :1453-1465.
5. Mikesell RH, Lusteran DDE, McDaniel SH. Integrating family therapy: Handbook of family psychology and systems theory. American Psychological Association. 1995.
6. Omarzu J, Miller AN, Schultz C, Timmerman A. Motivations and emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. *International Journal of Sexual Health*. 2012; 24(2): 154-162.

20. Bahrami M, Asami M, Fatehpanah A, Dehghani Tafti A, Ahmadi Tehrani G. Moral intelligence status of the faculty members and staff of the Shahid Sadoughi University of Medical Sciences of Yazd. *ijme*. 2012; 5 (6): 81-95. (Text in Persian)
21. Antonaccio O, Tittle CR. Morality, self-control and crime. *Criminology*. 2008; 46(2): 479-510.
22. Johnson M, Caughlin J, Huston T. The tripartite nature of marital commitment: personal moral, structural reasons to stay married. *Journal of marriage and the family*. 1999; 61(1), 160-177.
23. Khaniki H, Tabrizi M. Marital satisfaction through moral attitude and action (emphasis on woman society). *Journal of social sciences*. 2009; 46; 187-228. (Text in Persian)
24. Hudson WW, McIntosh SR. The assessment of spouse abuse: Two quantifiable dimensions. *Journal of Marriage and the Family*. 1981; 43(4): 873-888.
25. Hosseini M. Relationship between marital satisfactions with length of marriage among students of Imam Khomeini institute. Master thesis, Arak; Islamic Azad University. 2010. (Text in Persian)
26. Lennickm D, Kiel F. Linking strong moral principles to business success, Pennsylvania, Wharton School of the University of Pennsylvania. 2005 A
27. Arasteh H , Azizi Shomami M , Jafari A R, Mohammadi J Z. A study of ethical intelligence of students. *Journal of strategy for culture*. 2011; 3(10): 201-214. (Text in Persian)
28. Basati Motlagh T. The comparison of early maladaptive schema and intimacy in married infidelity and non-infidelity men. Master thesis, Arak; Islamic Azad University. 2013. (Text in Persian)
29. Bannfield & McCabe. The patterns of infidelity and their treatment, (2<sup>nd</sup>ed), New York, Brunner/Mazel. 2001.
30. Khodabakhshi Koolae A, Basati Motlagh T, Esmaili A, Rahmatizadeh M. The comparison of early maladaptive schema and intimacy in married infidelity and non-infidelity men. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*. 2014; 2(3): 12-23. (Text in Persian)
31. Raghbi, M., & Gharachahi, M. An Investigation of the Relation between Emotional and Spiritual Intelligence among Well-Adjusted and Discordant Couples. *Quarterly Journal of Sociology of Women*. 2013; 1(13), 123-140. (Text in Persian)
32. Farsi M. An analysis of the effect of spiritual intelligence and moral intelligence on marital dissatisfaction and infidelity among married individual in Yasouj city. Master thesis, Yasouj; Islamic Azad University. 2012. (Text in Persian)
33. Golmahomadian M, Farahbakhsh K, Esmaili M. Effectiveness of training moral, spiritual, and cultural intelligence on women marital dissatisfaction. *Journal of family counseling and psychology*. 2013; 3(2): 209-232. (Text in Persian)
34. Asghari F, Ghasemi R. Relationship between moral intelligence and oriented religion with marital satisfaction among married teachers. *Journal of family counseling and psychology*. 2014; 4(1): 65-84. (Text in Persian)
35. Kaveh S. Spouses, disloyalty, and betrayal. 1<sup>ed</sup>, Tehran: Sokhan. 2008.